

# گسستن رشته ی آسمانی از زمین

ماه صفر از غم بارترین ماههای سال قمری است و سه مصیبت سنگین را در خود جای داده است.

28 صفر مصیبت عظمای شهادت حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در شدت این مصیبت حضرت علی (علیه السلام) فرمود: " فضجت الدار الافنیة" «گویا در ودیوار خانه فریاد می زند». پاره شدن رشته ای که جبران ناپذیر بود. تلخ ترین حادثه زندگی برای بشریت؛ آری در این روز مخاطب ندای آسمانی « ما ینطق عن الهوی ان هو وحی الایوحی » به دیار معبود می شتابد.

غم فقدان نبی، غمی است که درک آن، درک جایگاه وحی و اضطراب بشر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می طلبد و این فقدان را کسی به جز حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمی تواند دریابد.

برای این علت است که فقدان حضرت خیلی برای ایشان هراس انگیز و غیر قابل تحمل بود و چندی نگذشت که ناله ی «عجل وفاتی سریعا» سر داد. چون پدرش در لحظات آخر عمرش مژده داده بود؛ " اولین کسی که به من خواهد پیوست تو هستی" و فقط این وعده بود که او را در این حادثه بزرگ دلداری می داد.

همین غم و اندوه فقدان نبی و نیز ظلم بر وصی نبی، به عنوان شکوائیه همیشه اولیاء الهی مطرح است. حدود 1400 سال قبل این شکایت را با امام سجاد (علیه السلام) به محضر خدای متعال برده: « اللهم البیک نشکوا فقد نبیک و رسولک و صیفک و ارتداد امة...» .

اگر چه به کنه و عمق این موضوع رسیدن از اندیشه ی بشر فرشی و موجود زمینی خارج است اما می توان تا حدودی این ضایعه را حس کرد؛ همین کلافه بودن و سر درگم شدن، کار از کار پیش نبردن، آیا جلوه های بارز فقدان نبی نیست؟

آیا رواج بدعتها بجای سنت نبی پیامدی از فقدان نبی و غیبت ولی نیست؟

آیا رواج جاهلیت مدرن و انزوای اسلام نائب محمدی از تبعات این فاجعه نیست؟

آیا تجلی شکستن حدود الهی در فضای جامعه و به هم خوردن حریم ها

در روابط مردان و زنان به غیر از این حادثه دلیل دارد ؟

آیا پندار امروز از قرآن و نوع بکار گیری آن ، به عنوان مسابقه حفظ ، مسابقه تلاوت ، مسابقه خطاطی ، قرائت در مجالس عزا و آن چه با قرآن به غیر از فلسفه آن عمل میشود؛ از نتایج فقدان نبی نیست ؟

آیا پیمان شکنی و فرقه فرقه بودن و نداشتن وفاق اجتماعی در جامعه شیعی می توان به علتی غیر از نقد نبی نسبت داد ؟

آیا به بی تفاوتی به عملکرد اطرافیان و بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر به غیر از این جریان نشأت می گیرد ؟

آیا گرایشات افراطی به مستحبات و پر اهمیت جلوه دادن انواع ختم ها و چله ها و ریاضتهای منفی عارضه ی فقدان نبی و ظلم بر وصی نیست ؟

امروز من از رفتار خود خجل و شرمنده ام که ضایعه ی فقدان نبی را لمس نکردم و وظیفه ی خود را نفهمیدم و نشناختم تا این شکایت را از صمیم دل به درگاه عدل الهی ببرم و در نهوه ی تفکر و نوع نگرش و راه و رسم زندگی خود تجدید نظر کنم .

**راستی چاره چیست ؟**

**و چگونه می توان به چنین حالی دست یافت و در راه اشاعه سنت نبوی و دین محمدی گام برداشت ؟**